

- ۲۷ پیراهنی از آتش
- ۲۸ سخن گفتن درباره‌ی مؤمن
- ۲۹ گشته‌ی اشک
- ۳۰ هم‌نشینی با گناه‌کاران
- ۳۱ مردن با عزت
- ۳۲ بخشش‌گر و بخیل
- ۳۳ گناهکار و اندرز امام
- ۳۵ پرسشی از امام حسین علیه السلام
- ۳۷ خداترس
- ۳۸ پیشی گرفتن در بزرگواری‌ها
- ۳۹ اجازه‌ی سخن گفتن
- ۴۰ سلامتی من
- ۴۱ ترک گناه
- ۴۲ پیروی حق
- ۴۳ کیفر خطا
- ۴۴ پذیرفتن هدیه

- ۴۵ خشم خدا
- ۴۶ غافل از گناه
- ۴۷ شتابزدگی
- ۴۸ گریه از خوف خدا
- ۴۹ سخاوت‌مندی مردم
- ۵۰ گناه و پوزش خواهی
- ۵۱ دوری از غیبت
- ۵۲ بی‌نیازی در چیست؟
- ۵۳ نیازمندی کدامست؟
- ۵۴ دین‌داری مردم
- ۵۵ تجربه
- ۵۶ هدف از پیام حسینی
- ۵۹ فهرست منابع
- ۶۰ مسابقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه ناشر

من همه چیز را به خاطر تو ای انسان آفریدم و تو را فقط برای خودم آفریده‌ام.

به فرموده‌ی معصومین علیهم‌السلام دستورهای دینی منحصر به سه بخش است:

بخش اول اصول عقاید است که باید از روی دلیل و برهان و منطق به آن‌ها معتقد شد و توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد را با استدلال پذیرفت تا در درون جان و روح انسان جای گیرد.

بخش دوم احکام یا اصول عملی دین است (مانند نماز، روزه و ...) که باید درباره‌ی آن‌ها یا به اجتهاد خود عمل کنیم و یا از مجتهد اعلم تقلید نماییم.

بخش سوم اخلاق است که باید در مرحله اول فضایل و رذایل اخلاقی را بشناسیم و ظرف دل را از رذایل اخلاقی که به فرموده‌ی حضرت امام صادق علیه‌السلام در اصول کافی هفتاد و پنج رذیله‌ی

اخلاقی، است پاک کنیم و سپس به فضایل اخلاقی که آن هم هفتاد و پنج فضیلت است آراسته سازیم.

حضرت آیت الله مهدی حائری تهرانی درمقدمه کتاب صحیفه رستگاری می فرمایند: البته این سه بخش به دست نمی آید مگر باایمان کامل و عمل صالح که خداوند در قرآن مجید بسیار بر آن تاکید فرموده است، علمای علم اخلاق هم می گویند این راه سیر و سلوک الی الله و لقاءالله که نهایت اوج انسانیت است، تحصیل همین مقدمات است که سالک باید آن را درچهار مرحله طی نماید:

اول تخلیه، دوم تجلیه، سوم تجلیه و چهارم فناء فی الله. به این معنا که باید اول دل و جان خود را از رذایل پاک کند و سپس به فضایل اخلاقی آراسته سازد، آن گاه به تدریج جان او نورانیت و جلا پیدا می کند یعنی با ترک محرمات و مکروهات و انجام واجبات و حتی المقدور مستحبات جان و دل خود را صفا می بخشد و سرانجام روح پاک شده اش را در عالم ملکوت، در آغوش رحمت و اسعهی خداوندی، محل تجلی انوار الهی قرار خواهد گرفت و به مقام فناء فی الله خواهد رسید. به فرموده ی رسول اکرم ﷺ قلب مؤمن عرش الرحمن و حرم الله است و در آن فقط باید خداوند کریم جای داشته و مظهر صفات جمال و جلال پروردگار باشد و غیر خدا از

دلش بیرون رود و به مقام فناء فی الله که نهایت سیر کمال است
برسد.

در این موقع که غیر خدا از قلب خود خارج کرد، یعنی حبّ ذات
و حبّ مال و حبّ جاه شهوات و هوای نفس از دلش پاک شد و
دردش فقط رضا و خشنودی پروردگار جای گرفت، تمام پندار
و کردار و گفتارش برای خدا خواهد بود، و در نتیجه جز خدا نمی بیند
و جز به خدا نمی اندیشد و برای غیر خدا عمل نمی کند و آن چه به
جای می آورد فقط برای رضای خداست چنان که خداوند در قرآن
کریم به پیامبرش ﷺ می فرماید:

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَارِكُمْ

ای رسول ما! بگو من فقط شما را به یک مطلب موعظه و پند
می دهم و آن این که فقط برای خدا قیام و اقدام کنید دو تا دو تا یا
تک تک

خلاصه آن که انسان باید نگاهیان قلب و اندیشه‌ی خود باشد و
مراقبت نماید که غیر خدا در آن وارد نشود تا به مقام رضوان الهی
که بالاترین مقام قرب الهی است برسد همان گونه که اباعبدالله
الحسین (علیه السلام) فرمود: «رَضِيَ اللهُ رِضَانًا هَذَا أَتَيْتُ»؛ و در موقع جان

دادن در قتلگاه فرمود: «ای الهی رِضاً بِرِضَايْكَ تَسْلِماً بِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ» و قرآن کریم دستور می‌دهد:

... قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَنْعُبُونَ ... یعنی «بگو خدا و

سپس هر چه غیر اوست از خود دور کن» آن گاه به هر طرف می‌نگری جز خدا نمی‌بینی و خدایی می‌شوی؛ و به بیان حدیث قدسی چشمت عین الله می‌شود و گوشت اذن الله و زبانت لسان الله و دستت ید الله و تمام اعضاء و جوارحت و سراسر وجودت الهی می‌شود.

به قول بابا طاهر:

به صحرا بنگرم صحرا ته بینم به دریا بنگرم دریا ته بینم

به هرجا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا ته بینم

البته این مقام به دست نمی‌آید مگر آن که انسان نگهبان دل خود باشد تا جز خدا در آن وارد نشود و دلش جایگاه تجلی انوار الهی گردد.

رَزَقَنَا اللَّهُ وَايَاكُمْ دَعَا حَيًّا وَ مَيِّتًا

کامبیز خطیب شهیدی